QUALITATIVE RESEARCH

Surgeons in Early Islamic Medical Texts: An Analysis of the Terms "Dastkāriyya," "Mumāris," and "ʾAṣḥāb al-Ḥiyal"

Mostafa Moallemi [1],
Mohammad Yousofpoor [2],
Morteza Darabinia[3]

[1]Associate Professor, Department of the History of Medical Sciences, Faculty of Iranian Medicine, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran
[2] Assistant Professor, Department of Iranian Medicine, Faculty of Iranian Medicine, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran
[3] Associate Professor, Department of Islamic Thoughts, faculty of Iranian Medicine, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran

(Received August 28, 2025; Accepted February 8, 2026)

Abstract

Background and purpose: The existence of various guilds within the medical profession has long been observed. During the period of Islamic civilization, particularly from the third to fifth centuries AH, guilds of physicians, ophthalmologists (kaḥḥālūn), bone-setters (mujabbirūn), and veterinarians (bayṭārūn) were prominent. In addition, three terms- dastkāriyya, mumārisiin, and aṣḥāb al-ḥiyal- appear in texts from this era. This study aims to re-examine early Islamic medical and non-medical sources to clarify the meanings and status of these terms, which remain unclear in historical records.

Materials and methods: This study employed a qualitative research design. Initially, medical and non-medical texts were systematically searched using pre-defined keywords. Manuscripts of several classical sources were also examined. Data were coded, and the reliability of the research was ensured. To establish validity, full references to the sources consulted were provided. Theoretical saturation was achieved by identifying and excluding repetitive data. The research setting included libraries, such as the Comprehensive Library of Medicine software (version 1.5) and Arabic and Persian Lexicon software (version 3), as well as electronic databases, including PubMed, Scopus, Magiran, Web of Science, SID, and Noormags.

Results: The findings indicate that the terms dastkāriyya and mumārisiin referred to the guild of surgeons, whereas aṣḥāb al-ḥiyal generally denoted tricksters who pretended to practice medicine and provide treatment. By exploiting patients' lack of knowledge and employing deceptive methods, they claimed to cure diseases and eliminate their causes.

Conclusion: The presence of diverse occupations within the medical profession during the period of Islamic civilization highlights the value of a careful re-examination of medical history. Such study not only clarifies the roles and therapeutic skills of Muslim physicians of that era but also provides a more accurate understanding of historical medical professions and can stimulate further research in the history of medicine during the Islamic period.

Keywords: Dastkārīya, Mumāris, ʾAṣḥāb ul-ḥīyal, Medical professions, medical texts

J Mazandaran Univ Med Sci 2026; 35 (254): 76-88 (Persian).

Corresponding Author: Morteza Darabinia -Department of Islamic thought, faculty of medicine, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran (E-mail: m.darabinia@mazums.ac.ir)

[Downloaded from jmums.mazums.ac.ir on 2026-11-23]

پژوهشی کیفی

مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران
دوره سی و پنجم شماره ۲۵۴ اسفند سال ۱۴۰۴ (۸۸-۷۶)

جراحان در متون پزشکی سده‌های نخستین تمدن اسلامی: تحلیل واژگان «دستکاریه»، «مُمارِس» و «اصحاب الحیل»

مصطفی معلمی[۱]
محمد یوسف پور[۲]
مرتضی دارابی نیا[۳]

چکیده

سابقه و هدف: وجود اصناف مختلف در حرفه پزشکی پدیده‌ایی نوظهور نیست. در دوره تمدن اسلامی بویژه سده‌های سوم تا پنجم هجری اصناف طبیبان، کحّالان، مُجبِّران و بَیطاران نام آشنایند. همتراز با آن، سه اصطلاح «دستکاریه» و «ممارسین» و «اصحاب الحیل » نیز در متون بازه فوق‌الذکر به چشم می‌آید. این پژوهش بر آن است تا به بازخوانی متون پزشکی و غیر پزشکی سده‌های نخستین اسلامی پرداخته و سه اصطلاح یاد شده را تبیین کند. به نظر می‌آید ابهاماتی نسبت به این سه اصطلاح و جایگاه آن وجود دارد.

مواد و روش ها: این مطالعه پژوهش کیفی می‌باشد، نخست متون پزشکی و غیر پزشکی با استفاده کلید واژه‌های طراحی شده مورد جستجو قرار گرفت. نسخه‌های خطی برخی منابع کهن نیز بررسی گردید. داده‌ها کدگذاری شده و از پایایی این پژوهش اطمینان حاصل شد. برای اثبات روایی این پژوهش، نشانی منابع مورد استفاده ارائه گردید. اشباع نظری در مواجه با داده‌های تکراری و حذف آن تامین گردید. محیط این پژوهش کتابخانه (نرم‌افزارهای کتابخانه جامع طب نسخه ۱/۵، فرهنگ واژگان عربی و فارسی نسخه ۳) و پایگاه‌های اطلاعاتی نظیر PubMed، Scopus، Magiran ، Web of Science، SID و Noormags بوده است.

یافته‌ها: واژه "دستکاریه " و "ممارسین " به صنف جراحان اطلاق می‌شده است و "اصحاب الحیل " نیز غالبا اشاره به نیرنگ‌بازانی داشته که وانمود به طبابت و معالجه می‌کردند. آنان با سوء استفاده از جهل بیماران و با ترفندهای نیرنگ‌آلود وانمود به درمان و ریشه‌کنی اسباب بیماری‌ها می‌کردند.

استنتاج: با توجه به وجود مشاغل مختلف در دوره تمدن اسلامی در صنف پزشکان، بازخوانی دقیق تاریخ پزشکی می‌تواند علاوه بر شناسایی مشاغل پزشکی و مهارت‌های درمانی پزشکان مسلمان در آن دوران، به خوانش صحیح مشاغل و حرف پزشکی نیز منتهی شود و پژوهش‌های بیش‌تری را در زمینه تاریخ پزشکی در دوران اسلامی موجب گردد.

واژه های کلیدی: دستکاریه، مُمارسین، اصحاب الحیل، مشاغل پزشکی، متون پزشکی

مولف مسئول: مرتضی دارابی نیا– ساری: جاده فرح آباد، مجتمع پیامبر اعظم ص، دانشکده پزشکی **E-mail**: m.darabinia@mazums.ac.ir

۱. دانشیار تاریخ و تمدن ملل اسلامی، مدیر گروه تاریخ علوم پزشکی، دانشکده طب ایرانی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

۲. استادیار گروه طب ایرانی، دانشکده طب ایرانی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

۳. دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

تاریخ دریافت : ۱۴۰۴/۶/۶ تاریخ ارجاع جهت اصلاحات : ۱۴۰۴/۶/۲۳ تاریخ تصویب : ۱۴۰۴/۱۱/۱۹

[Downloaded from jmums.mazums.ac.ir on 2026-11-23]

مقدمه

انسان از آغاز تاریخش با پدیده‌ای به نام بیماری آشنا بوده و درباره منشأ آن و راه رهایی از آن اندیشیده است(۱). گروهی از انسان‌ها در جوامع مختلف بشری برای شناسایی، تشخیص و درمان بیماری‌ها تلاش کرده‌اند؛ چه آنان که بیماری را ناشی از خشم خدایان دانسته‌اند و چه گروهی که اسباب و علل مادی را پدیدآورنده آن معرفی نموده‌اند(۲، ۳).

با پیچیدگی‌های جسمی و روحی انسان و تنوع بیماری‌ها، به‌تدریج تخصص‌های درمانگری شکل گرفت. در تمدن‌های میان‌رودان، وجود درمانگران در حوزه‌های متنوع توسط مورخان و باستان شناسان تأیید شده است و مجموعه قوانین حمورابی به دو دسته درمانگران مذهبی اشاره می‌کند(۲، ۴).

در مصر باستان نیز درمانگران مختلف در دوره‌های کهن، میانه و نو فعالیت داشتند و منابعی مانند پاپیروس‌های ادوین اسمیت و گئورگ ابرس، وجود دندان‌پزشکان، چشم‌پزشکان و متخصصان بیماری‌های امعاء و احشاء را نشان می‌دهند(۵، ۶). تمدن‌های یونان و روم نیز گروه‌های متنوعی از پزشکان، پزشکان متمرکز بر اصلاح مزاج تا جراحان، ماماها، دوافروشان و شکسته‌بندها را معرفی کرده‌اند(۷، ۸). در متون آیورودایی نیز به طبقات مختلف درمانگران اشاره شده است و بیرونی با توجه به منابع هندی گزارش داد که درمانگرانی در حوزه مسمومیت در هند تخصص داشته‌اند(۹، ۱۰). در ایران باستان و طب زرتشتی، سلامت تن و روان پیوندی ناگسستنی داشت و درمانگران در پنج گروه شامل کاردپزشک، گیاه‌پزشک، مانتره‌پزشک، اشوپزشک و دادپزشک، تقسیم‌بندی شده‌اند(۱۱).

در دوره تمدن اسلامی نیز علم پزشکی به دو شاخه اصلی نظری و عملی تقسیم می‌شد. طبیبی که تنها با مباحث نظری و دارویی آشنا بود و بدون انجام اقدامات دستی بیماران را درمان می‌کرد، «طبیب طبایعی» نامیده می‌شد(۱۴-۱۲). بخش عملی طب، حفظ‌الصحه و مداوای امراض را در بر می‌گرفت و مداوای امراض خود به دو شیوه درمان با اغذیه و ادویه و درمان با دخالت دست، انجام می شد. درمان با دخالت دست شامل کار بر روی رگ‌ها، گوشت و استخوان بود(۱۵). در متون پزشکی اسلامی برای این نوع درمان تعابیر گوناگونی به کار رفته است؛ از جمله «العمل بالید»، «العمل بالحدید»، «اعمال الحدید»، «العلاج بالحدید» و «صناعة الید» که همگی به مفهومی اشاره دارند که امروزه می‌توان آن را معادل جراحی دانست(۱۶). طبیبانی که در این شاخه فعالیت می‌کردند با عناوینی چون «صانع‌الید»، «صُنّاع‌الید»، «جرّاح» و «جرائحی» شناخته می‌شدندو برای درمانگران برخی اعضا نیز نام‌های تخصصی‌تری مانند «کحّال» برای چشم‌پزشک و «مُجبّر» برای شکسته‌بند به کار می‌رفت(۱۰، ۱۲، ۱۷).

در کنار این اصطلاحات شناخته شده، در منابع طبی سده‌های سوم تا نهم هجری، واژه‌هایی دیده می‌شود که بسامد کم‌تری دارند اما از نظر زبانی و تاریخی حائز اهمیت‌اند. از جمله این واژه‌ها دو اصطلاح «دستکاریه» و «اصحاب الحیل» است که معنای دقیق آن‌ها در متون مختلف یکسان نیست و تاکنون بررسی مستقلی درباره آن‌ها انجام نشده است. افزون بر این، در نسخه‌های خطی همان دوره، نگارش‌های متفاوتی هم‌چون «الماسین»، «الساهون»، «المسامین»، «الانثیین»، «المایین»، «المائتین»، «الثمانین»، «المنانین»، «الماسون» و «الماسه» دیده می‌شود که اغلب ناشی از دشواری خوانش نسخه‌های خطی و خطاهای نسخه‌برداران و مصححان است. شواهد متنی نشان می‌دهد که این صورت‌های گوناگون، شکل‌های تحریف شده یک واژه واحدند که همگی به نوعی درمان با دست اشاره دارند.

اهمیت و ضرورت این پژوهش در آن است که با تحلیل دقیق این اصطلاحات و بررسی انتقادی نسخه‌های خطی، می‌توان تصویر روشن‌تری از زبان فنی پزشکان و جراحان مسلمان و نیز تحول مفاهیم عملی طب در دوره اسلامی به دست آورد. واژگان «دستکاریه»، «ممارسین»

[Downloaded from jmums.mazums.ac.ir on 2026-11-23]

و «اصحاب الحیل » صرفاً اصطلاحاتی تاریخی نیستند، بلکه بخشی از نظام مفهومی طب در سده‌های نخستین اسلامی به‌شمار می‌روند و شناخت آن‌ها برای درک هویت حرفه‌ای، مشروعیت علمی و جایگاه اجتماعی جراحان در ساختار دانش پزشکی تمدن اسلامی ضروری است. تحلیل لایه‌های معنایی این واژگان نشان می‌دهد که گفتمان طبی آن دوره چگونه مفاهیمی چون مهارت، تمایز حرفه‌ای و مرز میان طبابت معتبر و سودجویانه را بازنمایی می‌کرده است.

بر این اساس، هدف مقاله حاضر بررسی و تحلیل تاریخی و زبانی اصطلاحات «دستکاریه » و «اصحاب الحیل » و بازشناسی واژه‌های مترادف یا بد خوانده شده مرتبط با آن‌ها در متون پزشکی سده‌های سوم تا نهم هجری است تا جایگاه واقعی این اصطلاحات در گفتمان طب عملی و جراحی مشخص گردد.

مواد و روش ها

این پژوهش از نوع تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تبیینی و تحلیل گفتمان تاریخی است. با توجه به ماهیت کیفی تحقیق، گردآوری و تحلیل داده‌ها به‌صورت نظام‌مند و گام‌به‌گام انجام شد. این مطالعه حاصل طرح تحقیقاتی مصوب در دانشگاه علوم پزشکی مازندران با کد اخلاق IR.MAZUMS.REC.1404.044 می‌باشد.

در گام نخست، برای شناسایی داده‌های مرتبط با واژه‌ها و اصطلاحات مورد مطالعه، متون پزشکی و غیرپزشکی سده‌های نخستین تمدن اسلامی بررسی گردید. تمرکز اصلی بر منابع لغوی عربی و فارسی و متون شاخص پزشکی نظیر الحاوی فی الطب (رازی)، التصریف لمن عجز عن التألیف (زهراوی)، القانون فی الطب (ابن‌سینا)، کامل الصناعه الطبیه (علی بن عباس مجوسی) و فرهنگ‌های لغوی لسان‌العرب، تهذیب‌اللغة و برهان قاطع بود.

در این فرآیند، از کلید واژه‌هایی طراحی شده بر اساس مفاهیم اصلی پژوهش شامل «دستکاریه »، «ممارس »، «اصحاب الحیل»، «حیل الطبیب»، «عمل الجراح» و واژه‌های مترادف آن ها در متون عربی و فارسی استفاده شد. جست‌وجو در محیط‌های کتابخانه‌ای و پایگاه‌های اطلاعاتی انجام گرفت که شامل کتابخانه جامع طب (نسخه ۱/۵)، فرهنگ واژگان عربی و فارسی (نسخه ۳)، و پایگاه‌های علمی PubMed، Scopus، Web of Science، ScienceDirect، ProQuest، Magiran، SID، Noormags و Mirath.net بود.

در این مرحله، از بانک‌های اطلاعاتی پژوهش مستقلی درباره مسئله این تحقیق یافت نشد. بویژه آن که در اختلاف خوانش‌ها از واژه‌های «الماسین »، «الساهون»، «المسامین»، «الانثیین»، «المایین»، «المائتین»، «الثمانین»، «المنانین »، «الماسون» و «الماسه» هیچ تحقیقی به انجام نرسید و پژوهش کنونی نخستین مطالعه در این موضوع به شمار می رود.

داده‌های گردآوری‌شده در جداول موضوعی ثبت و بر اساس روش تحلیل مضمون در سه مرحله‌ی کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند. در مرحله‌ی نخست، مفاهیم کلیدی از متن استخراج شد؛ در مرحله‌ی دوم، مفاهیم مشابه در قالب مقوله‌های میانی سازمان‌دهی گردید؛ و در مرحله‌ی سوم، مضامین اصلی و فرعی از تلفیق این مقوله‌ها شکل گرفت. روند تحلیل تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت.

به‌منظور پایایی پژوهش، داده‌ها و کدهای استخراج شده توسط دو پژوهشگر همکار به‌صورت مستقل بازبینی و در موارد اختلاف، با توافق نهایی اصلاح شد. هم‌چنین برای روایی پژوهش، نشانی دقیق منابع و شماره صفحات در جداول داده‌ها ثبت گردید تا مسیر پژوهش برای سایر محققان قابل پیگیری و تکرار باشد.

در مرحله‌ی نهایی، داده‌های نهایی با رویکرد تحلیل گفتمان تاریخی تفسیر شدند تا سیر تحول معنایی و کارکردی واژه‌های مورد مطالعه در گفتمان پزشکی سده‌های آغازین تمدن اسلامی، به‌ویژه در حوزه‌های عمل جراحی و تجربه‌گرایی طبیبان، تبیین شود.

[Downloaded from jmums.mazums.ac.ir on 2026-11-23]

یافته‌ها

دستکاریه، دستکار و دستکاران

کهن‌ترین کاربرد واژه «دستکاریه» در متون پزشکی اسلامی در کتاب ادب‌الطبیب اسحاق بن علی رهاوی (سده سوم هجری) دیده می‌شود. او در باب هجدهم، از فریبکاری پزشک نماها هشدار داده و جراحان را با عنوان صنف «دستکاریه» یاد کرده است. رهاوی میان دو گروه از این صنف، صنف نیرنگ‌بازان و جراحان ماهر تمایز می‌گذارد(۱۸).

پس از او، ابوالحسن طبری ترنجی (۳۶۶ ق) در المعالجات البقراطیه، واژه «دستکاریه» را برای «درمانگران با آهن» به‌کار برده و همچون رهاوی، آنان را به دو دسته بی‌باک و زبردست تقسیم کرده است. هم‌چنین او برای درمان بیماری چشمی «شرناق» دو شیوه، درمان طبیعی با داروها و درمان جراحی توسط دستکاران زبردست معرفی می‌کند(۱۹، ۲۰).

در سده ششم هجری، سید اسماعیل جرجانی (۵۳۱ ق) در ذخیره خوارزمشاهی، واژه‌های «دستکار»، «دستکاری» و «دستکاران» را به‌معنای جراحی و کار با آهن به‌کار برده است(۲۱). پس از او ابن‌هبه‌الله سبزواری (۸۷۱ ق) و حکیم شاه ارزانی (۱۱۲۶ ق) نیز همین کاربرد را داشته‌اند(۲۲، ۲۳).

در متون غیرپزشکی نیز «دستکار» به معنای جراح یا زبردست به کار رفته است. ثعالبی(۴۲۹ ق) در تعریف «نطاس» می‌گوید: «هر دلیر از دستکاران را گویند» و ازرقی هروی(۴۷۳ق) در شعر خود «دستکار» را در معنای پزشکی آورده است(۲۴، ۲۵). در دستوراللغهٔ نطنزی (۴۹۷ ق)، «رجل صنع‌الید» به معنی «مرد دستکار و زبردست» ترجمه شده است(۲۶). حبیش تفلیسی (سده ششم) و فلکی شروانی (۵۷۷ق) نیز واژه مورد بحث را در معنای طبیب یا جراح به کار برده‌اند و مولوی (۶۷۲ ق) نیز در شعری از «دستکار» به معنای طبیب یاد می‌کند(۲۹ – ۲۷).

در کنار این واژگان فارسی، مترادفات عربی مانند «صانع‌الید»، «عمل‌الید»، «العلاج‌بالید»، و «المعالجون بالحدید» نیز در متون پزشکی دیده می‌شود(۱۴، ۱۵، ۱۸). جراحان یا «درمانگران با آهن» نه‌تنها عمل جراحی می‌کردند، بلکه برخی از آنان مؤلف کتاب‌های جراحی نیز بودند(۳۰).

از نظر زبان‌شناسی، «دستکاریه» مصدر صناعی از «دستکار» فارسی است و به‌معنای «صنف یا گروهی که با دست کار می‌کنند» و در کاربردهای تاریخی، این واژه و مشتقاتش به روشنی به صنف جراحان اشاره دارد که با ابزارهای آهنی کار می‌کردند.

در نسخه‌ای از المعالجات البقراطیه، مصححان عرب «دستکاریه» را واژه‌ای فارسی به‌معنای «رئیس حرفه» یا «معلم صنعت» دانسته‌اند(۱۹). همچنین محققان، آن را معادل فارسی اصطلاحات عربی چون «عمل‌الید» و «صانع‌الید» دانسته‌اند(۱۶).

نتایج نشان می‌دهد جراحی در تمدن اسلامی جایگاه ویژه‌ای میان شاخه‌های پزشکی داشته است. جراح یا «دستکار» افزون بر دانش طبی، نیازمند مهارت بالا بود و پزشکان بزرگی چون رهاوی از کمبود جراحان زبردست شکایت کرده‌اند(۱۸، ۳۱). الگود نیز اشاره می‌کند که جراحان از نظر اهمیت با طبیبان برابری می‌کردند(۳۲). جراحی از دید پزشکان آن زمان، حرفه‌ای حساس، دشوار و پرخطر بود که هرکسی از عهده آن برنمی‌آمد(۳۳).

اصحاب الحیل

علی بن ربن طبری در فردوس‌الحکمه بخشی با عنوان «حیل‌الاطباء» دارد که در آن از تدابیر و ابتکارات پزشکان در تشخیص و درمان بیماری‌ها سخن می‌گوید. او در پایان، هشدار می‌دهد که برخی فریبکاران با سوء استفاده از این روش‌ها خود را طبیب می‌نمایانند(۳۴). از دید او، «حیله» دو نوع است، یکی نیرنگ برای فریب، و دیگری تدبیر هوشمندانه برای درمان می باشد.

پس از او، رهاوی در ادب‌الطبیب از گروهی با عنوان «اصحاب‌الحیل» یاد می‌کند. با این حال، نباید آنان را با مکاتب طبی مشروع اشتباه گرفت. در منابع

[Downloaded from jmums.mazums.ac.ir on 2026-11-23]

طب باستان گفته‌اند طب شامل شناخت عوامل تندرستی و بیماری است، اما راه‌های این شناخت در میان پزشکان متفاوت بوده است. گروهی تنها به تجربه تکیه داشتند، گروهی تجربه را با قیاس و استدلال همراه می‌کردند و گروهی که تجربه و قیاس را برای یافتن راه‌های ابتکاری درمان به‌کار می‌بردند، به «اصحاب‌الحیل» معروف شدند(۳۵). با این حال، در تعبیر رهاوی، «اصحاب‌الحیل» بیشتر به فریبکاران و بی‌سوادانی اشاره دارد که بدون دانش کافی، به نام طبابت مردم را می‌فریفتند. او میان حیله‌های مفید (برای درمان) و حیله‌های مضر (برای فریب) تفاوت می‌گذارد و زیان فریبکاران را از آسیب درندگان نیز خطرناک‌تر می‌داند(۱۸).

رهاوی باور دارد رواج اندیشه جبرگرایی باعث ورود این افراد ناآگاه به حرفه پزشکی شد؛ زیرا مردم مرگ بیماران را نه از ناآگاهی طبیب بلکه نتیجه «قضای الهی» می‌دانستند(۱۸).

بلدی نیز در آثار خود از ترفندهای فریبکارانه این افراد سخن گفته است: آنان با حیله‌هایی مانند پنهان کردن اشیایی در لباس خود و وانمود کردن به بیرون آوردن آن از بدن بیمار، یا ایجاد خون‌ریزی مصنوعی در بینی و گوش، بیماران و همراهانشان را می‌فریفتند(۲۰).

در مجموع، بخشی از «اصحاب‌الحیل» ممکن است شامل دستکاران زبردست نیز بوده باشد؛ جراحانی که با ابتکار و تدبیر برای درمان‌هایی چون برداشتن سنگ مثانه از ابزارها و روش‌های نوآورانه بهره می‌بردند.

واژگان غریب «الماسین، الساهون، المسامین، الانثیین، المابین، المائتین، الثمانین، المنانین، المائین، الماسون و الماسه» فرضیه این پژوهش بر بی معنی بودن این واژگانِ بدخوانده شده، استوار است، از این رو معنایی برای این واژه‌ها ارائه نمی‌گردد.)

در بررسی متون پزشکی دوره تمدن اسلامی، به‌ویژه بخش‌های مرتبط با عمل الید و دستکاری، یازده واژه شناسایی شد. برای نخستین بار، واژه «الماسین» در کتاب کامل الصناعه الطبیه علی بن عباس مجوسی ارجانی در باب اول از مقاله نهم جزء دوم کتاب به چشم می‌خورد (تصویر شماره ۱)(۱۵). این واژه به‌شکل ناشناخته و گنگ آمده و موجب شد نسخه‌های خطی مختلف کتاب بررسی شوند. بررسی‌ها نشان داد حتی در نسخه‌های متعدد نیز مشکل ناشناختگی رفع نشد (تصاویر شماره ۲ تا ۶). تصاویر نسخه‌های کامل الصناعه را در زیر مشاهده می‌کنید.

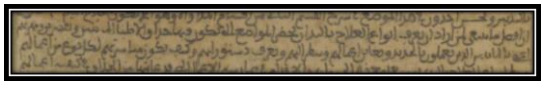

تصویر شماره ۱: نسخه (عکسی) موزه بریتانیا، شماره ۶۵۹۱، برگ ۲۳۹، روی أ (تاریخ کتابت ۵۴۸ قمری)



تصویر شماره ۲: نسخه دانشگاه پرینستون برگه ۳۰۲، روی ب (تاریخ کتابت ۵۸۶ قمری)

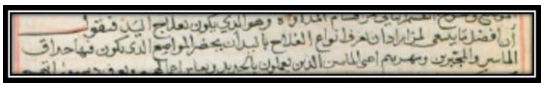

تصویر شماره ۳: نسخه عکسی مجلس سنا، برگ ۲۲۳، روی ب (کتابخانه مجلس سنا، شماره ۸۵۶۱، کتابت سده نهم)

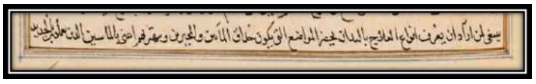

تصویر شماره ٤: نسخه دانشگاه ییل برگه ۴۳۷، روی أ (تاریخ کتابت ۸۴۱ قمری)

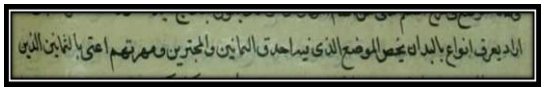

تصویر شماره ۵: نسخه عکسی کتابخانه دانشگاه ریاض، شماره ۳۳۶۱، برگ ۴۲۹، روی ب (تاریخ کتابت ۹۱۱ قمری)

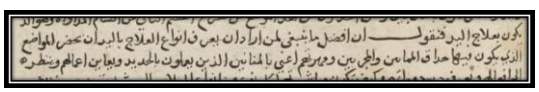

تصویر شماره ٦: نسخه عکسی کتابخانه بریتانیا، شماره ۲۳۴۱۰، برگ ۳۷۴، روی أ (تاریخ کتابت ۹۷۸ قمری)

[Downloaded from jmums.mazums.ac.ir on 2026-11-23]

در ادامه بررسی‌ها و رجوع به سایر متون پزشکی، واژه «الماسین» در یکی از نسخه‌های کتاب «الحاوی» مشاهده گردید (تصویر شماره ۷).

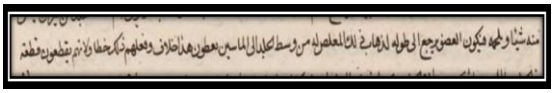

تصویر شماره ۷: الحاوی، نسخه عکسی، کتابخانه پزشکی دانشگاه ییل، برگ ۱۱۰، روی ب

اما همین واژه در نسخه چاپی «الساهون » خوانده شده است (تصویر شماره ۸)(۳۶).

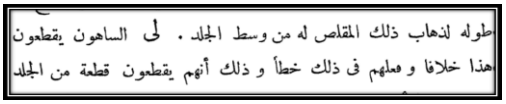

تصویر شماره ۸: الحاوی ج ۹، ص۲۱۸، چاپ حیدرآباد دکن(۳۷)

این تفاوت موجب شد آثار رازی نیز برای یافتن موارد مشابه بررسی شود. در کتاب المنصوری، او درباره فریبکاری برخی افراد در ادعای درمان بیماری‌ها، مطلبی را تحت عنوان «مخارق المائتین » آورده است (تصویر شماره ۹). حازم البکری، مُصحّح المنصوری فی الطب یکی از نواقص رازی را استفاده از واژگانی دانسته که ریشه مشخصی ندارند و در فرهنگنامه‌ها یافت نمی‌شوند(۳۸). برای مثال، واژه «المائتین » را برمی‌شمرد و معنای آن را «کسی که جانش مرده است » ارائه می‌دهد(۳۸).

به‌دلیل غریب بودن این برداشت، چند نسخه از المنصوری بررسی شد. برخی نسخه‌ها شبیه واژه «الماسین » را ثبت کرده‌اند. با توجه به خوانش «الماسین» در یکی از نسخه‌های الحاوی، احتمال استفاده از این واژه در المنصوری پیش از کامل الصناعه تقویت شد. با این حال، بررسی نسخه‌ها نشان داد خوانش‌ها متنوع‌اند و حتی در یک نسخه نیز ثبت واژه در موارد مختلف یکسان نیست (تصاویر شماره ۱۰ تا ۱۶).



تصویر شماره ۹: المنصوری نسخه عکسی مجلس شورای اسلامی (شماره ۵۴۷۴)، برگ ۳، روی ب (تاریخ کتابت ۸۱۱ قمری)



تصویر شماره ۱۰: المنصوری نسخه عکسی مجلس شورای اسلامی (شماره ۵۴۷۴)، برگ ۹۹، روی ب

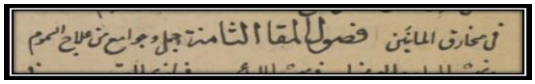

تصویر شماره ۱۱: المنصوری فی الطب، نسخه عکسی موزه بریتانیا، شماره ۵۳۱۶، برگ ۴، روی أ (تاریخ کتابت ۱۰۱۶ قمری)

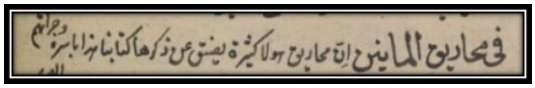

تصویر شماره ۱۲: المنصوری فی الطب نسخه عکسی، موزه بریتانیا، شماره ۵۳۱۶، برگ ۱۱۰، روی ب



تصویر شماره ۱۳: المنصوری، نسخه عکسی کتابخانه کنگره آمریکا، برگ ۹۶، روی أ



تصویر شماره ۱٤: المنصوری نسخه دانشگاه ملک سعود، شماره ۷۳۴۹، برگ ۴، روی أ (تاریخ کتابت سده سیزدهم قمری)

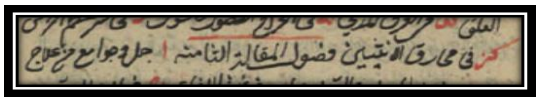

تصویر شماره ۱۵: المنصوری، نسخه مجلس شورای ملی، شماره ۳۸۱۹، برگ ۴، روی ب (تاریخ کتابت ۱۱۰۴ قمری)

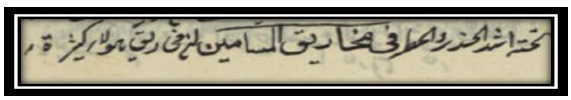

تصویر شماره ۱۶: المنصوری، نسخه مجلس شورای ملی، شماره ۳۸۱۹، برگ ۱۲۲، روی ب

[Downloaded from jmums.mazums.ac.ir on 2026-11-23]

جستجوی بیش‌تر این پژوهش را به کتاب المعالجات البقراطیه رسانید. ابوالحسن طبری ترنجی در باب درمانِ برخی بیماری های چشم به گروهی اشاره می‌کند که گاه زیان فراوان به بیماران می‌رسانند. او از تعبیر «الماسون» و «الماسه» (البته به خوانش تصحیح کنندگان و نسخه برداران) استفاده نموده است (تصاویر شماره ۱۷تا ۲۰).

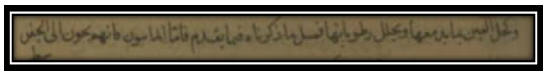

تصویر شماره ۱۷: «الماسون» در المعالجه البقراطیه، نسخه عکسی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۵۴۶۸، برگ ۱۱۵، روی أ

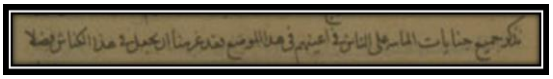

تصویر شماره ۱۸: «الماسه؟ » در المعالجه البقراطیه، همانجا، روی ب (تاریخ کتابت ۹۲۰ قمری)

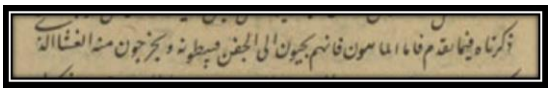

تصویر شماره ۱۹: «الماسون» در نسخه‌ای دیگر از المعالجه البقراطیه، کتابخانه مجلس شورای ملی، شماره ۲۹۰۹، برگه ۲۸، روی ب (تاریخ کتابت ۹۸۲ قمری)

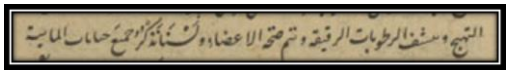

تصویر شماره ۲۰: «المایته؟ » همانجا

بررسی نسخه‌های متعدد نشان داد واژه مورد بحث تنوع و اختلاف شگفت‌آوری دارد. به‌عنوان نمونه، برخی محققان عبارت «مخاریق الماسین » را «مخاریق المشاتین » خوانده و «مشاتین » را به‌معنای حقه‌بازان و نیرنگ‌بازان آورده‌اند(۱۶). در حالی که در منابع اصلی، «مشاتین » جمع «مشتان» است و به ابزارهای منجمان یا شعبده‌بازان اشاره دارد(۳۹). مراجعه به تاریخ بغداد ابن طیفور نشان داد واژه «مشاتین » در آن کتاب وجود ندارد(۴۰). در ترجمه فارسی المنصوری، ذاکر نیز به پیروی از مصحح عرب، حازم البکری، عبارت «مخارق المائتین» را پذیرفته و توضیحات نسخه عربی را عیناً در پاورقی آورده است(۳۸).

به هر حال، خوانش این واژه در میان تصحیح کنندگان و پژوهشگران همواره محل ابهام بوده است. برای یافتن شکل صحیح آن، که به‌طور اجمالی به معنای جراحان و دستکاران است، پژوهش در متون پزشکی ادامه یافت. نهایتاً در باب ۵۲ کتاب تدبیرالحبالی احمد بن محمد بلدی، در مورد عُسرالولادهٔ، عبارت زیر دیده شد که به روشنی به جراحان و درمان با دست و آهن اشاره دارد (تصویر شماره ۲۱)(۲۰).

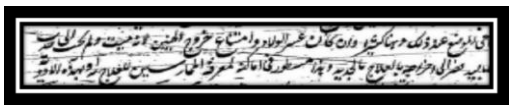

تصویر شماره ۲۱: نسخه به خط میر لطف الله بن میر عبدالله (کتابت به سال ۱۰۹۷ قمری

وجود واژه« ممارسین» این فرضیه را پدید آورد که واژه بدخوانش در متون یاد شده می‌تواند صورت تصحیف و تحریف شده «الممارسین» و «الممارسون» باشد. دلائل و قرائنی وجود دارد که می‌تواند این فرضیه را اثبات نماید.

واژگان ممارسهٔ و ممارس در لغت عرب

مُمارِس در لغت عرب اسم فاعل از باب *مفاعله* و از ریشه «مَرس » است(۴۱). مِراس به معنای ورزیدگی در هر کاری، به‌ویژه درمان و معالجه بیماران است. ابن سکّیت ۲۴۴ ق) و صاحب بن عباد (۳۸۵ق) هر دو مُمارِس و مِراس را به معنای «درمانگر ورزیده» دانسته‌اند(۴۲، ۴۳). (جوهری ۳۹۸ق) در مدخل «مرس» نوشته است: «المِراسُ: المُمَارَسةُ و المعالجةُ و رجلٌ مَرِسٌ: شدید العلاج بیِّن المَرَس » و ابن منظور (۷۱۱ ق) نیز مرس و مراس را ورزیدگی در درمان و توانایی درمانگری مؤثر دانسته و تأکید کرده است که درمانگر ورزیده کسی است که مهارتش در درمان آشکار باشد(۴۴، ۴۵).

[Downloaded from jmums.mazums.ac.ir on 2026-11-23]

استفاده متون پزشکی از واژگان ممارسه و ممارس در معنای پزشکی

رجوع به متون پزشکی نشان می‌دهد «ممارسة » و «ممارس » در متون مختلف پزشکی بکار رفته و معنای آن ورزیدگی و مهارت درمانگران با آهن(جراحی) است. طبری ترنجی (د. پس از ۳۶۶ ق) واژه ممارست را در معالجه بکار برده‌است(۱۹). بیرونی (د. پس از ۴۴۲ ق) هم واژه ممارسة را در معنای پزشکی استفاده نموده است(۱۰). ابومحمد ازدی (د. ۴۵۶ ق) در فرهنگنامه گرانسنگ «کتاب الماء » واژه «ممارسة » را در حیطه پزشکی به خدمت گرفته‌است(۴۶). ابن رشد نیز از این واژه در معنای پزشکی بهره گرفته است(۴۷). قطب الدین شیرازی (د. ۷۱۰ ق) هم مانند سایرین واژه «ممارس » را در معنای پزشکی بکار برده است(۴۸). هروی (د. ۹۳۸ ق) در فرهنگنامه خویش ممارسه را معالجه و درمان معنا کرده است(۴۹).

بسامد اصطلاحات «ممارسه » و «ممارس » در متون غیرپزشکی

عده پرشماری از نویسندگان در سده‌های مختلف از واژه «ممارسة » و «ممارس » در معنای ورزیدگی و ورزیده و زبردست و زبردستی و چیرگی در یک فن و یا حرفه استفاده کرده‌اند(۱۵، ۲۴، ۵۳ - ۵۰). برخی نیز معنای پزشکی آن را بکار برده‌اند. از جمله می توان به ابن اثیر (د. ۶۰۶ ق) از لغت شناسان برجسته عرب اشاره کرد که واژه «ممارسة» را در کنار واژه «معالجه » در معنای طبی قرار داده است(۵۴).

کاربست واژه «الممارسة » در کامل الصناعة الطبیة

علی بن عباس دقیقا چند سطر بعد از سطری که در آن واژه پرچالش «الماسون» و «الماسین» را بکار برده، از واژه«الممارسه » استفاده نموده است. نسخه‌های متعدد از این کتاب نیز همگی به وضوح واژه «ممارسة » را آورده‌اند (تصاویر شماره ۲۲ تا ۲۵).



تصویر شماره ۲۲: نسخه پرینستون، برگه ۱۵۶، روی ب



تصویر شماره ۲۳: نسخه پرینستون، برگه ۱۵۶، روی ب

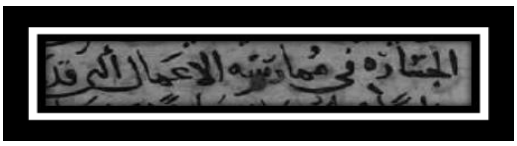

تصویر شماره ۲٤: نسخه پرینستون، برگه ۳۰۲، روی ب

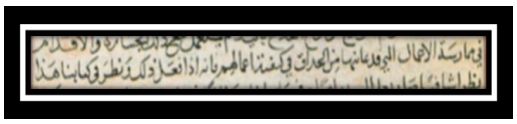

تصویر شماره ۲۵: نسخه مجلس سنا، ص ۲۲۷

بحث

واژه "دستکاریه " و "ممارسین" به صنف جراحان اطلاق می‌شده است و "اصحاب الحیل " نیز غالبا اشاره به نیرنگ‌بازانی داشته که وانمود به طبابت و معالجه می‌کردند. بررسی و مقابله متون مختلف پزشکی و غیر پزشکی این نتیجه را به دست می‌دهد که اشکال مختلف واژه مورد بحث یعنی، « الماسین، المسامین، الانثیین الساهون، المایین، المائتین، الثمانین، المنانین، المائین، الماسون، الماسه » شکل تصحیف شده (بدخوانده شده و یا تغییر داده) و گاه تحریف شده «الممارسین » و «الممارسون » بوده است. اما این که چگونه واژه «الممارسون » و الممارسین » از سوی نسخه‌نویسان به اشکال مختلف درآمده پرسشی است که نمی‌توان پاسخ قاطعی برای آن ارائه داد. گاه شکل بدخوانده شده، یک معنای تازه پدید می‌آورد و نسخه‌بردار و خوانندگان فهمی از آن پیدا می‌کردند؛ اما در این مورد، این

[Downloaded from jmums.mazums.ac.ir on 2026-11-23]

بدخوانی‌ها و یا تغییرات موجب ابهام در فهم واژه و خلق واژه‌های بی معنا گردید. چه بسا شباهت حروف و سهو کاتبان می‌توانست از اسباب تصحیف و تحریف باشد اما اسبابی که موجب وقوع تصحیف و تحریف در واژگان می‌شوند در این مورد یافت نشده است(۵۵). شگفت‌تر آن که در این مورد تمامی نسخه‌ها دچار تصحیف شده‌اند و یا کمینه این که در نسخه‌هایی که از کتاب‌های مختلف (باستثناء کتاب تدبیر الحبالی) بررسی شد هیچ کدام صورت قابل فهمی از یک واژه را به دست نداده‌اند. به نظر می‌رسد این تصحیف در قدیمی‌ترین نسخه‌ها روی داده باشد و آن‌گاه به نسخه‌های متاخر سرایت کرده است. در مجموع باید گفت ممارس به معنای، جراح و درمانگر با مهارت در بکارگیری ابزار جراحی بوده است. این واژه در سده‌های نخستین کاربرد بیش‌تری داشته است. وجود این واژه در اشعار عرب جاهلی و راه یافتن آن به فرهنگنامه‌های کهن عربی نشان از ریشه‌دار بودن آن در میان اعراب دارد.

با نظر به یافته‌ها می‌توان گفت دستکاریه صنف جرّاحان روزگار خویش بوده‌اند. آنان، از نظر طبیبان طبایعی عصر خویش، از جایگاه مهمی برخوردار بوده و وظیفه خطیری بر عهده داشته اند. دستکاران مانند هر صنف دیگر شامل افراد ورزیده و کارآمد و یا کارنابلد و نادان بوده‌اند. گاه طبیبان طبایعی خود به دستکاری نیز می‌پرداختند و البته تعدادشان اندک بوده است.

همچنین یافته مهم دیگر این است که اصحاب الحیل فریبکارانی با دانش اندک به دنبال درمان با دستکاری بوده‌اند. آنان با سوء استفاده از جهل بیماران و با ترفندهای نیرنگ‌آلود وانمود به درمان و ریشه‌کنی اسباب بیماری ها می‌کردند. البته از نگاه پزشکان صاحب تالیفات، حیله یا ترفند مطلقا ناپسند نبوده بلکه اگر حیله‌ای موجب درمان بیمار می‌شد دلالت بر ماهرت و زیرکی طبیب و دستکار داشت.

و در نهایت نویسندگان پژوهش به این نتیجه رسیدند که در زبان عربی معنای واژه دستکار با واژه «مُمارِس » از نظر معنا یکسان است. در میان اعراب نیز صنف دستکاریه شناخته شده بود و با توجه به فرهنگنامه‌های زبان عربی جرّاحان و دستکاران به نام مُمارِس شناخته می‌شده‌اند. در سده چهارم هجری این واژه در معنای جرّاحان و دستکاران کاربرد بیش‌تری در مقایسه با سده‌های بعد داشته است. ضبط نادرست و بدخوانش این واژه احتمالا از سهو ناسخان برخاسته است.

نتیجه گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که واژگان «دستکاریه »، «ممارسین » و اصطلاحات مشابه در متون پزشکی سده‌های نخستین اسلامی، به صنف جراحان و درمانگران ماهر در کاربست ابزارهای جراحی اطلاق می‌شده است. بررسی نسخه‌ها و تطبیق متون پزشکی و غیرپزشکی نشان داد که اشکال گوناگون و گاه نامفهوم این واژه‌ها عمدتاً نتیجه تصحیف، تحریف یا بدخوانی ناسخان بوده و ریشه اصلی آن ها به صورت «مُمارِس » و «ممارسون » قابل بازیابی است. هم‌چنین روشن شد که اصطلاح «اصحاب الحیل » در متون طبی، غالباً به افرادی اشاره داشت که با دانش اندک و با ترفندهای فریبکارانه در مقام درمان ظاهر می‌شدند؛ در حالی که «حیله » نزد پزشکان و دستکاران ماهر، چنانچه به بهبود بیمار بینجامد، امری مقبول و نشانگر مهارت قلمداد می‌شد. در مجموع می‌توان گفت که صنف دستکاران در ساختار طبابت طبیعت محورِ سده‌های نخستین اسلامی جایگاهی مشخص داشته و واژگان مورد مطالعه، بخشی از شبکه معنایی و حرفه‌ای این گروه را آشکار می‌سازند.

محدودیت‌های مطالعه

این پژوهش همچون دیگر مطالعات مبتنی بر نسخه‌پژوهی و تحلیل تاریخیِ واژگان، با چند محدودیت همراه بوده است. نخست آن که دسترسی به همه نسخه‌های خطی مربوط به متون مورد بررسی ممکن نبود و تحلیل بر پایه نسخه‌های موجود انجام شد. دوم،

[Downloaded from jmums.mazums.ac.ir on 2026-11-23]

برخی نسخه‌ها از میزان بالای تصحیف، بدخوانی یا افتادگی رنج می‌بردند که بازسازی دقیق صورت اصلی واژه‌ها را دشوار می‌کرد. سوم، نبود شواهد کافی درباره زمینه‌های اجتماعی و حرفه‌ایِ جراحان در برخی دوره‌ها، امکان تطبیق کامل داده‌های زبانی با بستر تاریخی را محدود ساخت. همچنین، تفاوت‌های احتمالی میان لهجه‌ها و سنت‌های نسخه‌نویسی مناطق مختلف نیز می‌تواند در تغییر شکل واژه‌ها نقش داشته باشد؛ امری که بررسی آن فراتر از دامنه این مطالعه بود.

با وجود این محدودیت‌ها، تطبیق میان‌متنی و بررسی توأمان منابع پزشکی و لغوی توانست تصویری نسبتاً روشن از ریشه، معنا و کارکرد واژگان مورد مطالعه ارائه دهد.

سپاسگزاری

پژوهشگران از معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی مازندران به دلیل حمایت مالی از این طرح تشکر و قدردانی می نمایند.

References

1. Bynum W. A little history of science. Yale University Press; 2012.
2. Geller M J. Ancient Babylonian medicine: theory and practice. John Wiley & Sons; 2010.
3. Bynum W. *The History of Medicine*, Oxford University Press; 2008: 7-9.
4. Teall E K. Medicine and doctoring in ancient Mesopotamia. Grand Valley Journal of History 2014; 3(1):2.
5. Norrie P. A History of Disease in Ancient Times. Bern, Switzerland: Palgrave 2016.
6. Metwaly A M, Ghoneim MM, Eissa IH, Elsehemy IA, Mostafa AE, Hegazy MM, et al. Traditional ancient Egyptian medicine: A review. Saudi J Biol Sci 2021; 28(10): 5823-5832 PMID: 34588897.
7. Scarborough J. *Roman Medicine*, Cornell University Press; 1969: 25- 124.
8. Cilliers L, Retief F P. *Medical Practice in Greco-Roman Antiquity*, Curationis 2006; 29(2): 34-40 PMID: 16910132.
9. Wujastyk D. *The Roots of Ayurveda*, Penguin Books 1998: 72-73.
10. Biruni M. *Al-Saydana*. edited by Abbas Zaryab, Tehran, University Publishing Center; 1991: 10. (Persian).
11. Kasiri M. *History of Ancient Iranian Medicine*, Traditional Iranian Medicine Publications, 2019. (Persian).
12. Ibn Qayyim M. *Al-Tibb al-Nabawi* (Prophetic Medicine), Dar al-Hilal Library, Beirut, 1st ed. 1983;1:105. (Arabic).
13. Ibn Abi Uṣaybiʿah A. *Uyun al-Anbā fi Ṭabaqāt al-Aṭibbā* (Sources of Information on the Classes of Physicians), edited by Nizar Reza, Beirut, Dar al-Maktaba al-Hayat. n.d; 4: 346. (Arabic).
14. Ibn Quff K. *Al- ʿUmda fi al-Ǧirāha* (The Mainstay in Surgery), Dā'irat al-Maʿārif al-ʿuṯmānīya, Hyderabad Deccan; 1937. 2: 26. (Arabic).
15. Al-Majusi AA. The Complete Art of Medicine (Kitab Kamil al-Sina'a al-Tibbiyya). Qom: Institute of Natural Medicine; 2008.1: 35-38. (Arabic).
16. Moḥaqqeq M. *Collection of Texts and Articles on the History and Ethics of Medicine in Islam and Iran*; 1995: 359. (Persian).
17. Ibn Ikhwa M. *Ma'ālim al-Qirba fi Ahkām al-Hisba*, Islamic Information Office, Qom Iran, Publishing Center; 1987: 258. (Arabic).
18. Ruhāwī I. *Adab al- Ṭabīb* (The Ethics of the Physician, edited by Marizan Asiri, King

[Downloaded from jmums.mazums.ac.ir on 2026-11-23]

Faisal Center for Research and Islamic Studies, Riyadh; 1992: 271-272. (Arabic).

19. Tabari T. *Amrāḍ al- ʿAyn wa Mu'aliğatihā* (Diseases of the Eye and Their Treatments), edited by Muḥammad Rawās Qalağı and Muḥammad Ẓafir Wafā'ī, London, Al-Furqan Foundation for Islamic Heritage; 1998:78. (Arabic).
20. Baladi A. *Tadbīr al- Ḥubālā wa al-Aṭfāl wa al- Ṣibyān Wa Ḥifẓ Ṣiḥḥatihim* (Management of Pregnant Women, Children, and Infants and Their Health), edited by Maḥmūd al- Ḥāğ Qāsim Muḥammad, Baghdad, Dar al-Rashid Publishing;1980: 168. (Arabic).
21. Ğurğānī S I. *Ḏakhīra Khārazmshāhi, Institute for the Revival of Natural Medicine, Qom*; 2012. (Persian).
22. Ibn Hibat A S. *Zubdat Qawānīn al- ʿIlāğ* (The Essence of the Rules of Treatment), Iran University of Medical Sciences Publications; 2007: 94. (Persian).
23. Shah Arzani M M A. *Mizan al-Tibb* (The Scale of Medicine), Sama Cultural Institute, Qom, 1st ed; 2001:53. (Persian).
24. Ṯʿā'libī, A M. *Yatīmat al-Dahr fi Maḥāsin Ahl al- ʿAṣr* (The Unique Pearl of the Age on the Virtues of the People of the Era), Dar al-Kutub al-ʿilmīyya, Beirut – Lebanon; 1999:428. (Arabic).
25. Azraqī H. *Dīwān ʾAš'ār* (Collection of Poems), edited by Ali Abd al-Rasuli, University of Tehran; 1957:21. (Persian).
26. ʾAdīb N. *Dastūr al-Luġa* (Guide to Language), edited by Sayyid Ali Ardalan Javan, Astan Quds Razavi Publications, Tehran; 2006:.268. (Persian).
27. Tiflīsī A F Ḥ. *Kāmil al-Tadbīr* (The Complete Interpretation), edited by Mukhtar Kamili, Miras-e Maktoob, Tehran; 2015. (Persian).
28. Falaki S. *Dīwān Aš'ār* (Collection of Poems), edited by Taheri Shahab, Ibn Sina Library Publications, Tehran; 1966: 41. (Persian).
29. Ğalāl al-D B R. *Kulliyyāt-e Šams* (Complete Works of Shams), edited by Badīʿuzzamān Furūzānfar, Amir Kabir Publications, Tehran, 4th ed; 1999:292. (Persian).
30. Paulus E. Paul of Aegina. The Seven Books of Paulus of Egineta, The Sydenham Society, London; 1846:301.
31. Zahrāwī Kh A. *Al- ğirāha* (Surgery), Article 30 from *Al-Taṣrīf li-man 'Ağaza 'an al-Ta'līf,* Farazdaq Commercial Press, Riyadh, 3rd ed; 2001:70. (Arabic).
32. Elgood C. *A Medical History of Persia and the Eastern Caliphate,* Cambridge University Press; 1951: 279.
33. Ibn Zuhr A al-M. *Al-Taysīr fi al-Mudāwāt wa al-Tadbīr* (Facilitation in Treatment and Management), Dar al-Fikr, Damascus, 1st ed; 1983: 27. (Arabic).
34. Ibn Rabban T. *Firdaws al- Ḥikmah* (Paradise of Wisdom), edited by Abdul Karim Sami al-Jundi, Beirut, Dār al-Kutub al-ʿilmīyya, 1st ed; 2002: 372-373. (Arabic).
35. Galen. *Fi Firaq al- Ṭibb li al-Muti'allimīn* (On the Divisions of Medicine for Students), edited by Muḥammad Salīm Sālim, Dār al-Kutub Press, Cairo; 1977:13-15, 44-47. (Arabic).
36. Pourgholam M, Mahmoudpour M, Nabipour I. Razi's *Scientific Approaches to Surgical Sciences in Al-Hawi. Iran South Med J* 2024; 27(1): 99-122.
37. Rāzī. *Al-Hawi fi al-Tibb*, published by Dā'irat al-Maʿārif al-ʿuṯmānīya, Hyderabad Deccan, India; 1958. (Arabic).
38. Rāzī. Al-Mansuri fi al-Tibb, Introduction by the Editor, edited by Hazim Bakri Siddiqi, Kuwait, Arab Organization for Education, Culture, and Science;1987:9. (Arabic).

[Downloaded from jmums.mazums.ac.ir on 2026-11-23]

39. Dozy. *Takmilat al-Ma'āğim al-Arabiya* (Supplement to Arabic Dictionaries), 10th ed, General Cultural Affairs Directorate, Baghdad; 2000: 67. (Arabic).
40. Ibn Ṭayfūr. *Tārīḫ Baghdad* (History of Baghdad), Dār al- Ğinān, Beirut; 2009: 54. (Arabic).
41. Šaybānī A A. *Kitāb al- Ğīm*, edited by Ibrahim Abyārī, Cairo, General Organization for Government Printing Affairs; 1974: (Arabic).
42. Ibn Sikkīt Y. *Tartīb ʾIṣlāḥ al-Manṭiq* (Arrangement of the Correction of Logic), edited by Muhammad Hassan Bakai, Mashhad, Astan Quds Razavi Publications; 1991:82. (Arabic).
43. Ibn ʿAbbād I. *Al-Muḥīt fi al-Luġa* (The Comprehensive Guide to Language), edited by Muhammad Hassan Al-Yasin, Alam al-Kutub, Beirut; 1993: 213. (Arabic).
44. Ğawharī, ʾIsmāʿīl ibn Ḥammād, *Al- Ṣiḥāḥ* (The Correct), edited by Ahmad Abd al-Ghafur Atta, Beirut, Dār al- ʿilm lil-Malāyin; 1986:3-977. (Arabic).
45. Ibn Manẓūr A F. *Lisān al-ʿArab* (The Tongue of the Arabs), Qom, Adab al-Hawza Publications; 1984:6-215. (Arabic).
46. ʾAzdī A. *Kitāb al-Mā* (The Book of Water), Muscat, Ministry of National Heritage and Culture; 1995:2-459. (Arabic).
47. Ibn Rushd M. *Al-Kulliyyāt fi al-Ṭibb* (General Principles of Medicine), Dar al-Kutub al-ʿilmīyya, Beirut, 1st ed; 2005:8. (Arabic).
48. Qutb al-Dīn S. *Kitāb fi Bayān al- Ḥāğa ʾilā al-Ṭibb wa al-Aṭibbā wa Waṣāyāhum* (A Book on the Need for Medicine and Physicians and Their Advice), Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Rāzī, *Al- Ḥāwī fi al-Ṭibb* (The Comprehensive Book on Medicine); 2008:53-186. (Arabic).
49. Herawi. *Bahr al-Jawahir* (The Sea of Jewels), p. 344, Institute for the Revival of Natural Medicine, Qom; 2008: 344. (Arabic).
50. Ibn Durayd. *Ğamharat al-Luġa* (The Compendium of Language), edited by Ramzi Munir Baalbaki, Beirut, Dar al-Ilm lil-Malāyīn; 1987:2-721. (Arabic).
51. Bāzyār A A. *Al-Bayzara* (Falconry), edited by Muhammad Kurd Ali, Dar Sader, Beirut; 1995. (Arabic).
52. Ibn al- Ğūzī. *Al-Muntaẓam* (The Organized), edited by Muhammad Abd al-Qadir Atta and Mustafa Abd al-Qadir Atta, Beirut, Dar al-Kutub al-ʿilmīyya; 1991:7-15. (Arabic).
53. Zabidī. *Tāğ ul-ʿArūs min Ğawāhir al-Qāmūs* (The Bride's Crown from the Jewels of al-Qāmūs), edited by Ali Shiri, Beirut, Dar al-Fikr; 1993:8-432. (Arabic).
54. Ibn ʾAṯīr. *Al-Nihāya fī Ġarīb al-Ḥadīṯ wa al-Āṯār* (The End in the Strange Hadith and Narrations), edited by Mahmoud Muḥammad al- Ṭanāḥī and Ṭāhir Aḥmad al-Zāwi, Qom, ʾIsmāʿīlīyān Institute; 1985:3-263. (Arabic).
55. Māyil Herawī N. *History of Manuscript Editing and Critical Editing of Manuscripts*, Tehran, Library, Museum, and Document Center of the Islamic Consultative Assembly; 2000: 236-240. (Persian).

[Downloaded from jmums.mazums.ac.ir on 2026-11-23]